

بررسی همسان همسری و رفتار مرتبط با طلاق: مطالعه موردی زنان شهر شیراز

عبدالعلی لهسایی زاده^{۱*}، حبیب احمدی^۲، مژده ثروت خواه^۳

چکیده

هدف این مطالعه بررسی نقش همسان همسری و تأثیر رعایت یا عدم رعایت این عامل بر روی تصمیم به طلاق در زنان شهر شیراز است. بر اساس یافته‌های پیشین و بررسی نظریات مرتبط با طلاق، ترکیبی از نظریات همسان همسری و کارکرد گرایی به عنوان چارچوب نظری تحقیق و روش مطالعه، کمی و تکنیک پیمایش استفاده شده همچنین، جامعه آماری تمام زنان شهر شیراز بوده است؛ که با یک نمونه ۴۸۰ نفری (در دو گروه، ۲۴۰ نفر از زنان مراجعه کننده به دادگاه خانواده برای ارائه درخواست طلاق و ۲۴۰ نفر از زنانی که زندگی مشترک داشتند) این تحقیق انجام شد. تحلیل مربع کا، تأثیر متغیرهای ذیل را در تصمیم زن به طلاق نشان داد: وضعیت اشتغال زن، قومیت زن، تشابه قومیتی زوجین، ساخت بازاری ازدواج، تشابه محل

lahsaei@rose.shirazu.ac.ir

۱- استاد گروه جامعه شناسی دانشگاه شیراز

۲- استاد گروه جامعه شناسی دانشگاه شیراز

۳- کارشناس ارشد مطالعات زنان دانشگاه شیراز

سکونت پدر زوجین و اعتیاد شوهر. تحلیل رگرسیون لجستیک نیز نشان داد که سن زن با تصمیم وی به طلاق ارتباط دارد.

واژه‌های کلیدی: طلاق، تصمیم زنان، نظریه همسان همسری، نظریه کارکردگرایی و شیراز.

۱- مقدمه

در کتب لغت برای واژه طلاق معانی متعددی ذکر شده است، از جمله: رهایی، آزاد کردن، ترک کردن، واگذاشتن و... اما در اصطلاح شرعی طلاق عبارت است از زایل نمودن قید و پیوند نکاح با صیغه مخصوصی (محقق داماد، ۱۳۸۴، ۳۸۰-۳۷۹). پدیده طلاق، "راه حل" قانونی و رایج عدم سازش زن و شوهر، فروریختن ساختمان خانواده، قطع پیوند زناشویی و اختلال ارتباط پدر و مادر با فرزند است.

روند تاریخی پدیده طلاق نشانگر آن است که هرچه در نظام سرمایه داری به جامعه صنعتی نزدیک‌تر می‌شویم، امکان و فراوانی طلاق افزایش می‌یابد (والچاک و برنز، ۱۳۶۶: ۱۳-۹). از هم پاشیدگی خانواده، امروزه بخشی از بحران عمومی نظام صنعتی است. جدایی و طلاق، خانواده‌های زیادی را در بر گرفته است. بنابراین نمی‌توان آن را صرفاً ناشی از عوامل فردی دانست (تافلر، ۱۳۷۰: ۲۸۹). پدیده طلاق پدیده‌ای چند عاملی است؛ چندین عامل به هم می‌پیوندند و با هم شبکه‌ای پیچیده فراهم می‌کنند؛ این شبکه در نوع خود منحصر به فرد است (ساروخانی، ۱۳۷۶: ۱۵-۳). نه تنها عوامل طلاق، بلکه پیامدهای آن نیز می‌تواند گسترده باشد. برای شناخت این مهم ابتدا باید به شناخت پیامدهای خانواده سالم پرداخت تا بتوانیم به آثار بهم ریختگی چنین خانواده‌ای پی‌برد. خانواده سالم آثار عمده‌ای در رشد و ارتقای اعضا و پویایی جامعه دارد. (از جمله: ۱) خانواده بهترین محل تلاقی ویژگی‌های مکمل زن و مرد است. پیوند این ویژگی‌ها در یک نظام هماهنگ می‌تواند تعادل روحی و روانی را برای کلیه اعضا به ارمغان بیاورد؛ ۲) ارضای صحیح قوای جنسی در خانواده هم زمینه ساز سلامت جسم و روان است و هم سلامت اجتماعی و مصونیت اخلاقی جامعه را در پی خواهد داشت؛ ۳) خانواده بهترین محیط برای شکل‌گیری شخصیت فرزند و زمینه ساز سلامت اخلاقی فرزند است؛ ۴)

خانه بهترین محل برای بروز استعدادهای زن و توانمندی‌های اوست (زیبایی نژاد و سبحانی، ۱۳۸۵: ۸۴-۸۳).

بروز هر نوع اختلافی که باعث بروز عصبانیت و یا تشنج بین زن و شوهر شود، آرامش تنها مکان و آشیانه زندگی کودک را به هم می‌ریزد و او را مضطرب و افسرده می‌سازد. پدر و مادر با کشمکش‌هایشان ناخواسته به فرزندان‌شان لطمه‌های روانی وارد می‌کنند (عسکری، ۱۳۸۵: ۲۹۴-۲۹۲).

والچاک و برنز به تأثیر طلاق بر روی خود بزرگسالان نیز اشاره کرده‌اند. از جمله این تأثیرات و رایج‌ترین‌شان بیماری جسمانی، افراط در مشروب خواری و کشیدن سیگار است. تصویری که بسیاری از زوج‌های طلاق گرفته از خودشان دارند دیگر تصویر قدرتمندی نیست. اعتماد به نفس آن‌ها کاهش می‌یابد. اضطراب، افسردگی، نگرانی مفرط و نیز احساس شکست و گناه از جمله حالات رایج است. بنابراین مشخص است که طلاق پیامدهای چندگانه‌ای دارد. این تأثیرات می‌تواند دلیل ضرورت این گونه پژوهش‌ها باشد. گاهی تصمیم به طلاق از طرف زن در خانواده مطرح می‌شود. بنابراین شناخت عواملی که زن را به این تصمیم می‌کشاند مهم است.

برای فهم بهتر مسأله در ذیل به روندها و شاخص‌های آماری طلاق در کشور و اختصاصاً در استان فارس و شهر شیراز می‌پردازیم. نسبت ازدواج به طلاق طی سال‌های ۸۸-۱۳۷۷ روند خاصی را طی نموده است و این تحول و تغییر در سال‌های اخیر بسیار سریع تر اتفاق افتاده است به طریقی که در سال ۱۳۷۷ در کشور، در مقابل هر ۱۲/۵ واقعه ازدواج، یک واقعه طلاق به ثبت رسیده و در سال ۱۳۸۷ در مقابل هر ۸ واقعه ازدواج یک طلاق به ثبت رسیده است.^۱ با وجود افزایش تعداد ازدواج در کشور در دهه اخیر که متأثر از افزایش حجم جمعیت واقع در سن ازدواج در سال‌های اخیر است، اندازه این شاخص روند رو به کاهش را در سال‌های مورد بررسی طی می‌کند و این وضعیت بیانگر افزایش وقوع طلاق نسبت به ازدواج است.

این نسبت در استان فارس در سال ۱۳۵۷ برابر با ۱۲/۸۶ بوده است؛ یعنی در مقابل هر ۱۳ ازدواج ۱ طلاق وجود داشته است؛ اما این شاخص در سال ۱۳۸۸ برابر با ۸/۰۳ شده است. به عبارتی در مقابل هر ۸ ازدواج ۱ طلاق وجود دارد. سیر نزولی این شاخص نشانگر افزایش صعودی طلاق است. اگر شاخص را به نسبت طلاق به ازدواج مبدل کرده و در شهر شیراز مورد بررسی قرار دهیم به روند صعودی آن پی می‌بریم. در سال ۱۳۷۱ به ازای هر ۱۰۰ ازدواج، ۱۰ طلاق صورت گرفته است، ولی در سال ۱۳۸۸ این عدد به ۲۰ رسیده است (یعنی حدوداً دو برابر)^۱. این ارقام نشان می‌دهد که علی‌رغم پرداختن به این مسأله در زمان‌های قبل، هنوز هم جای بررسی و کنکاش دارد.

هدف کلی این تحقیق بررسی عوامل مرتبط با برتصمیم زنان به طلاق در شهر شیراز است. سوالات این پژوهش عبارتند از:

- ۱- چه رابطه‌ای بین متغیرهای جمعیت‌شناختی با تصمیم زنان به طلاق وجود دارد؟
- ۲- چه رابطه‌ای بین متغیرهای اجتماعی- فرهنگی با تصمیم زنان به طلاق وجود دارد؟
- ۳- چه رابطه‌ای بین متغیرهای اقتصادی با تصمیم زنان به طلاق وجود دارد؟

۲- پیشینه پژوهش

شناخت درست هر پدیده با توجه به تمامی شرایط فعلی و شرایط تاریخی آن پدیده صورت می‌گیرد. از این رو درستی هر پژوهش متضمن شناخت پژوهش‌های پیشین است (ساروخانی، ۱۳۸۰: ۱۴۶). در رابطه با تحقیقات پیشین به دلیل تعداد زیاد این پژوهش‌ها و برای نشان دادن مجمل و مشخص‌تر عوامل پرداخته شده، محقق به دسته‌بندی پرداخته است؛ ضمن این که تعداد بیشتری از این پژوهش‌ها در این مختصر سطور بیان می‌شود، خواننده نیز دید واضح‌تری از این عوامل به دست خواهد آورد. دسته اول به تحقیقاتی توجه می‌شود که به نگرش نسبت به طلاق می‌پردازند: طلاق از ازدواج اول پذیرش طلاق را افزایش می‌دهد.

۱- مجموعه آمارهای جمعیتی استان فارس، برگرفته از اداره کل سازمان ثبت احوال استان فارس

نمایش تضاد بیشتر در خانواده گذشته جوان سازگاری کنونی وی را کاهش می دهد (کانینگهام و تورنتن^۱ (۲۰۰۵)، یانگ و ارنبرگ^۲ (۲۰۰۷)).

دسته دوم از تحقیقات گرایش نسبت به طلاق را مد نظر قرار می دهند: علل اقتصادی (از جمله درآمد کم)، فرزند کمتر، اختلاف تحصیلی زوجین، تحصیلات زن، سن ازدواج زن و اختلاف سن زوجین رابطه معنادار و مستقیم ولی میزان شناخت همسر قبل از ازدواج، مدت زندگی زناشویی و مدت شناخت همسر قبل از ازدواج رابطه معنادار معکوس با گرایش به طلاق دارد. میزان برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر (مستقیم)، میزان تصور مثبت از پیامدهای طلاق و دخالت دیگران در زندگی زوجین (مستقیم و غیر مستقیم) در این گرایش موثر بوده اند (بنیادی راد (۱۳۷۹)، کنعانی (۱۳۷۹)، ملتفت (۱۳۸۱)، ریاحی، علیوردنیا و بهرامی کاکاوند (۱۳۸۶)).

دسته سوم از تحقیقات به عواملی اشاره می کنند که بر روی رفتار و تصمیم به طلاق - که در مرحله بعد از نگرش و گرایش است - تأثیر می گذارند. این عوامل عبارتند از: تفاوت سنی کم و زیاد میان زوجین، برتری تحصیلات در میان زنان از همسرانشان، تفاوت عقاید بالا، میزان شناخت کم نسبت به همسر قبل از ازدواج، پایین بودن میزان تصور از مشکلات پس از طلاق، نظر مثبت خانواده نسبت به طلاق، وجود طلاق در میان بستگان، عدم تفاوت قومیت میان خانواده های زوجین، برآورده نشدن انتظارات از نقش همسری، عدم تفاهم اخلاقی، مشکلات اقتصادی، سخت گیری اخلاقی، دخالت دیگران در زندگی، شکنجه و کتک زدن، ولگردی همسر، نداشتن فرزند، تنوع خواهی و هوس های پر دامنه، عدم تناسب فرهنگی، وجود اعتیاد همسر، زندانی بودن همسر، ناتوانی جنسی، معیار اجبار و زور در انتخاب همسر (ازدواج اجباری)، افسردگی، افکار پارانوئید، عدم علاقه، بیکاری، علل مذهبی و اخلاقی، پایین بودن سطح سواد زوجین، شهرنشینی، پایین بودن سن زوجین در هنگام ازدواج، مشکلات ارتباطی، جایگاه شغلی زنان و تعصب مذهبی (جلیلیان (۱۳۷۵)، مشیری، سعیدی، کیانی و ملک ابراهیم (۱۳۷۹)، خدیوی، نیک فرجام و وفایی (۱۳۸۰)، مددی (۱۳۸۰)، ریاحی و عجم (۱۳۸۱)، قطبی،

1- Cunningham & Thorenton

2- Young & Ehrenberg

هلاکویی نایینی، جزایری و رحیمی (۱۳۸۲)، شیرزاد و کاظمی فر (۱۳۸۳)، فاتحی زاده، بهجتی اردکانی و نصر اصفهانی (۱۳۸۴)، زرگر و نشاط دوست (۱۳۸۶)، آفاجانیان و مقدس^۱ (۱۹۹۸). آمیزش ماقبل ازدواج، استقلال زنان، ازدواج زودهنگام، فاکتورهای اقتصادی، هوش و تحصیلات و مهارت های ارتباطی کم، قوانین لیبرال طلاق، عوامل جنسی که به ناسازگاری هدایت می شوند، تضاد نقش ها، الکلیسم و سوء استفاده جسمی، رفتارهای مخاطره آور اختلاف بین والدین که به کندی و شدت منتهی شود، فاکتورهای مذهبی، نوع نگرش به طلاق، کار بیرون از خانواده هر دو زوج که احتمال شکننده تر کردن خانواده را بالا می برد و تأثیر نژاد (مثلاً سیاهان به خاطر کیفیت زناشویی پایین احتمال بیشتری دارد که زندگی زناشوییشان از هم پاشیده شود. بنابراین کیفیت زناشویی تا حد زیادی می تواند بر طلاق تأثیر بگذارد) (بولاندا و برون^۲ (۲۰۰۶)، فیلیپس و اسوینی^۳ (۲۰۰۶)، توچتل و واگل^۴ (۲۰۰۸)، لاویستین^۵ (۲۰۰۵)، کریشن^۶ (۱۹۹۸)).

اکثر تحقیقاتی که در مورد طلاق در ایران انجام شده است طلاق را به طور کلی بررسی می کند یا گرایش زوجین به طلاق را بررسی می کند؛ اما تحقیقات اندکی به زنان متمرکز شده است. تحقیقات خارجی در رابطه با طلاق گاهی زنان را موضوع تحقیق قرار می دهد، اما به عوامل اندکی در تحقیق خود اشاره می کنند، مثلاً به نقش تفاوت های قومی و نژادی بسیار زیاد اشاره می شود و عوامل دیگر را در ارتباط با این تفاوت ها به بررسی می کشند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۳- چارچوب نظری پژوهش

۳-۱- مروری بر نظریه های موجود

نظریه پردازی را می توان وسیله ای دانست که توسط آن فعالیت روشنفکرانه ای که به "علم" معروف است به سه هدف اصلی خود می رسد: ۱- طبقه بندی و سازماندهی وقایع در

-
- 1-Aghajanian & Moghadas
 - 2- Bulanda & Brown
 - 3- Phillips & Sweeney
 - 4-Tojttol & Vaagel
 - 5- Lowenstein
 - 6- Krishnan

جهان به نحوی که در یک دیدگاه قرار گیرند؛ ۲- تبیین علل وقایع گذشته و پیش بینی این که چه وقت، کجا و چگونه وقایع در آینده اتفاق می افتند؛ ۳- عرضه یک احساس از فهم این که چرا و چگونه وقایع باید اتفاق بیفتد (ترنر، ۱۳۸۲: ۱۳). در این قسمت نظریه‌های مرتبط با موضوع طلاق به اجمال بیان خواهد شد و سرانجام به چارچوب نظری منتخب تحقیق دست خواهیم یافت.

۱-۱-۳- نظریه مبادله^۱

نظریه مبادله اجتماعی در جهت توزیع و تبیین رابطه بین رفتار بر اساس پاداش یا مجازات است. این دیدگاه در مطالعات تجربی و نظری رفتار خانوادگی، عشق و ازدواج گسترش زیادی یافته است (آزاد ارمکی، ۱۳۸۳: ۲۵۰-۲۴۹). از جمله نظریه پردازان این دیدگاه می توان به هومنز^۲ اشاره کرد. وی قضایای ذیل را برای توضیح رفتار اجتماعی مطرح می کند که مبنای نظریه تبادلی اش را تشکیل می دهند: (۱) قضیه موفقیت: در مورد همه اعمالی که اشخاص انجام می دهند، غالباً این گونه است که هر عملی از یک شخص اگر که مورد پاداش قرار گیرد، احتمال تکرار آن عمل به وسیله همان شخص افزایش می یابد. (۲) قضیه محرک: اگر در گذشته وجود محرک خاصی یا یک رشته از محرک ها باعث شده باشد که شخص با کنش خود پاداش گرفته باشد، محرک های آنی و کنونی هر چه به محرک گذشته شباهت بیشتری داشته باشند، احتمال بیشتری می رود که آن شخص در برخورد با این محرک ها آن کنش و یا همانندش را انجام دهد. (۳) قضیه ارزش: هر چه نتیجه یک کنش برای شخص با ارزش تر باشد احتمال بیشتری دارد که همان کنش را دوباره انجام دهد. (۴) قضیه محرومیت - سیری: یک شخص هر چه در گذشته نزدیک پاداش معینی را بیشتر دریافت کرده باشد، همان پاداش در آینده برایش کم ارزش تر خواهد بود. (۵) قضیه پرخاشگری - تأیید: قضیه الف: هر گاه یک شخص از کنش خود پاداشی را انتظار دارد به دست نیاورد و یا تنبیهی را دریافت نماید که انتظارش را ندارد، خشمگین خواهد شد و در چنین موقعیتی، احتمال بیشتری دارد که از خود

1- Exchange Theory

2-Homans, George

رفتار پرخاشگرانه‌ای را نشان دهد. در ضمن نتیجه یک چنین رفتاری برایش ارزشمندتر خواهد شد. قضیه ب: هر گاه شخصی پاداش مورد انتظارش را به دست بیاورد به ویژه اگر پاداش بیش از حد چشمداشتش باشد، یا با تنبیه مورد انتظارش روبرو نشود، احساس خرسندی خواهد کرد. در این صورت احتمال بیشتری می‌رود که آن شخص رفتار تأیید آمیزی از خود نشان دهد و نتایج رفتارش نیز برایش ارزشمندتر می‌شود (ریترز، ۱۳۸۴: ۴۳۱-۴۲۵). طبق نظریه مبادله عدم برابری هزینه و پاداش برای زوجین احساس نابرابری در مبادله (ازدواج) را به همراه دارد و در نهایت به گسست روابط متقابل زوجین منجر می‌شود. با این فرض که هر کدام از افراد درگیر این رابطه مبادله‌ای در برابر آنچه که هزینه می‌کند بر اساس هنجارهای مورد قبول، انتظار دریافت پاداشی متعادل از جانب دیگری دارد. حال هر گاه این تعادل خدشه دار شود فرد بر طبق این نظریه به رفتار پرخاشگرانه تمایل پیدا می‌کند و سرانجام به طلاق روی می‌آورد. بنابراین پنداشت فرد از سود یا زیان در زندگی زناشویی اهمیت دارد و باید توجه داشت که فرد در صورت جدایی از چه پاداش‌هایی باید در برابر پاداش‌های جدید صرف نظر کند و در مورد هزینه‌ها هم همین گونه است و در نهایت تصمیم‌گیری نماید که در کدام مرحله (قبل یا بعد از طلاق) سود بیشتری عاید وی می‌گردد (جلیلیان، ۱۳۷۵: ۴۵-۴).

۲-۱-۳- نظریه بی‌سازمانی خانواده

توماس وزنانیکی در این باره اظهار نظر می‌دارند که علت واقعی همه پدیده‌های بی‌سازمانی خانواده را باید در تأثیر برخی از ارزش‌های جدید بدانیم از جمله این ارزش‌های جدید عبارتند از: لذت‌گرایی، ارزش‌های جدید خودبینانه و شکل‌های نوجاذبه جنسی. این تأثیرها روی نگرش‌ها در شخصیت فرد اثر می‌گذارد. نگرش‌هایی که قبلاً در نظام خانواده مطرح می‌شد نگرش "ما" بوده‌اند (این که مثلاً گرایش‌ها و آرزوهای لذت‌گرایانه را از آرزوهای خانواده تفکیک نمی‌کرد)، اما نگرش‌های جدیدی که ایجاد شده است نگرش "من" است (فردگرایی مطرح است و در آن خواسته‌های فرد از خواسته‌های جامعه جداست). همچنین آنها اشاره می‌کنند به این که نگرش‌های جدید فردگرایانه اگر در کنار سایر علت‌ها قرار بگیرد باعث بی‌سازمانی خانواده می‌شوند. این نگرش فردگرایانه به ناخودآگاه فرد می‌رود

اگر جامعه و یا خانواده با آنها مخالف بود و در مقابل این نگرش‌ها ایستادگی کرد این نگرش بروز نمی‌کند در غیر این صورت بی‌سازمانی خانواده بروز می‌کند. البته آنها معتقد هستند که ظهور بی‌سازمانی خانواده در رفتار فردی معلول نگرش‌های شخص و شرایط اجتماعی است این شرایط با توجه به معنایی که برای کنشگر دارد مطرح است نه از دید کنشگر خارجی. بی‌سازمانی خانواده زمانی پدید می‌آید که با توجه به آن شرایط علاقه‌های خانواده برای کنش اجتماعی از بین برود (کوزر و روزنبرگ، ۱۳۷۸: ۴۸۴-۴۸۳).

۳-۱-۳- نظریه کارکردگرایی

میراث کارهای تحلیلی کارکردگرایان متقدم را در مواردی می‌توان خلاصه کرد: ۱- جامعه یک نظام دارای ضرورت‌ها و نیازهاست که باید آنها برآورده شوند تا بقا را تضمین کنند. ۲- جامعه دارای حالات "بهنجار" و "بیمارگون" تلقی می‌کردند و به تعادل و ایستایی ضمن تکامل اشاره می‌کنند. ۳- جامعه مرکب از اجزای مرتبط تلقی می‌شود. ۴- اجزای مرتبط در ارتباط با حفظ یک کل سیستمی در نظر گرفته می‌شدند. کارکردگرایان جدید تشبیه اندام‌های قرن نوزدهم را واگیری می‌کنند (ترنر، ۱۳۸۲: ۴۲-۴۱). از جمله این نظریه پردازان می‌توان به امیل دورکیم اشاره کرد. در برخی موارد دورکیم جامعه را با هدف اشاره به یک اورگانسیم اجتماعی متشکل از اجزا یا اندام‌هایی اجتماعی به کار می‌برد. این اندام‌ها با یکدیگر همکاری می‌کنند تا بدین طریق شرط بقای کل اورگانسیم یا جامعه تأمین شود. دورکیم معتقد است که شخصیت انسان از دو جزء تشکیل شده است: ۱- جزء اجتماعی ۲- جزء فردی. اگر جزء فرد به خوبی توسعه داده نشود هم جامعه به عنوان یک کل وهم اعضای آن کل در رنج و عذاب خواهند بود زیرا مردمی که فقط بر پایه امیال و منافع شخصی شان عمل می‌کنند و به امیال دیگران توجهی ندارند، ناگزیر تضاد پیدا خواهند کرد و کارشان به دشمنی و جنگ با یکدیگر خواهند کشید. اگر جامعه سازمانی از هم گسیخته داشته باشد فرد با مشکلات زیادی دست به گریبان خواهد بود. دورکیم از حالت از هم گسیختگی سازمانی جامعه که قراردادهای و قواعد اجتماعی در آن تضعیف گردیده اند با عنوان حالت آنومی یا حالتی از جامعه که پر از هرج و مرج و اضطراب و نگرانی و افسردگی است یاد می‌کند (اشلی و

اورنشتین، ۱۳۸۳: ۱۴۴-۱۲۶). بنابر آنچه گفته شد اگر خانواده هنجارهای مسلط بر جامعه را نادیده بگیرد و از آنها تبعیت نکند دچار انحراف می شود که نتیجه آن طلاق و از هم گسیختگی خانواده خواهد بود؛ که کارکردهای نامناسبی را برای جامعه به دنبال می آورد اما از طرف دیگر کارکرد مثبت هم می تواند داشته باشد که باعث شود به زدوخوردها و ناراحتی های بیشتر در خانواده پایان دهد (ملتفت، ۱۳۸۱: ۳۷).

۴-۱-۳- نظریه همسان همسری^۱

این نظریه استحکام خانواده را ناشی از وجود ویژگی های همسان میان زن و شوهر می داند. همسانی میان دو نفر، نه تنها آنها را به سوی یکدیگر جذب می کند، بلکه پیوند وصلت ایشان را استوار می کند. به عبارت دیگر، ناهمسانی میان دو همسر سرچشمه کشمکش های خانوادگی است. به عقیده هیل^۲ افراد مایل اند همسری برگزینند که بیشتر همسانشان باشد تا ناهمسانشان و چنانچه این قاعده به دلایلی رعایت نگردد احتمالاً زوجین دچار ناسازگاری و در نهایت جدایی می شوند. باور من می گوید انسان دانسته یا ندانسته در پی گزینش همسری است که صفاتی همگون با او داشته باشد. افراد در تمامی سنین در میدانی فراختر از آنکه تصادف بتواند بر آن کارگر باشد، با کسانی وصلت می کنند که از نظر موقعیت زناشویی همانند خودشان باشد. به گمان لاگ و برگس^۳ بخت هر فرد بیشتر در راستای ازدواجی همسان گزینانه عمل می کند تا ناهمسان گزین. وود، در اثرش، ازدواج از دیدگاه مذهبی، می گوید هر قدر همگونی میان دو همسر از نظر مذهب و نژاد کمتر باشد، اختلاف و کشمکش ایشان بیشتر است. شنگ و یامامورا بر این باورند که هر قدر پیوندهای قومی و فرهنگی میان زن و شوهر محکمتر باشد خطر جدایی به مراتب در میان ایشان کمتر است. به طور کلی، هر قدر درجه همگونی همسران بیشتر باشد، زناشویی آنان استوارتر است (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۴۰). هالر^۴ معتقد است که الگوهای همسان همسری باید بر ویژگی های اجتماعی متمرکز باشد و بدین سبب سه روش را برای بررسی

1-Homogamy Theory

2-K.Hill

3-Lock & Burgess

4-Haller, Max

الگوهای همسان همسری بر می‌شمارد (۱) مقایسه پایگاه شغلی پدران شوهران و پدران زنان (۲) سنجش زمینه پایگاه خانوادگی زوجین (شامل منزلت شغلی، سطح سواد، درآمد والدین و...) و (۳) سنجش تحرک درون نسلی زنان از طریق ازدواج. این واقعیت که اکثر ازدواج‌ها به صورت همسان همسری یا درون همسری انجام می‌گیرد نشانگر آن است که برخی ویژگی‌هایی وجود دارند که از نظر ما در تصمیم به این که با چه کسی ازدواج کنیم دخیل هستند. افراد خواهان ازدواج در طبقه خودشان هستند. پایگاه اقتصادی - اجتماعی نقش تعیین کننده‌ای در انتخاب همسر دارد. معیارهای دیگری نیز در این انتخاب موثر هستند، همان طور که ساروخانی گرایش انسان‌ها به گزینش همسری مشابه از نظر تحصیلی بیان می‌کند (عزیزی، ۱۳۷۷: ۳۹-۳۷).

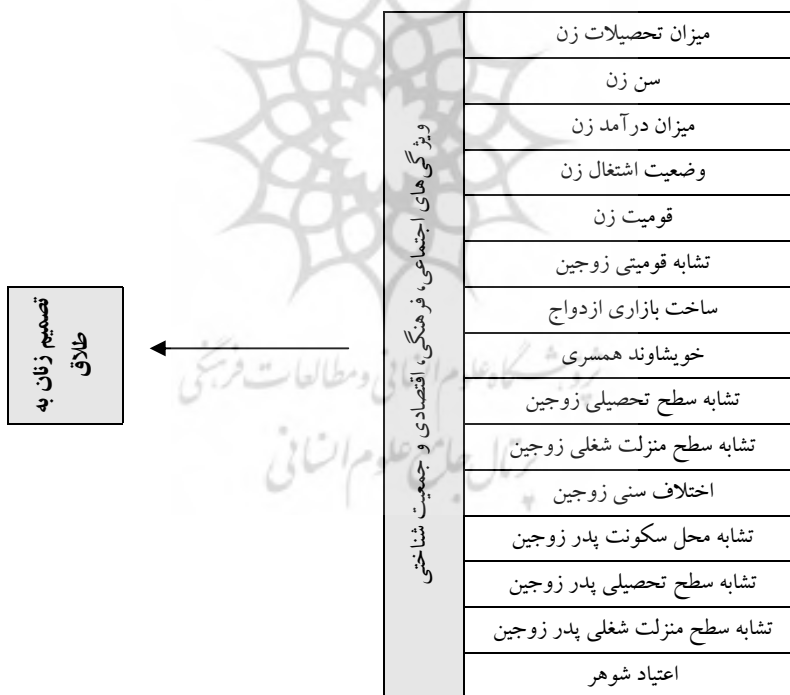
۲-۳- چارچوب نظری منتخب

در نهایت می‌توان دید که همسان همسری در جهت حفظ ارزش‌ها و اعتقادات معینی انجام می‌پذیرد. ازدواجی که با توجه به ارزش‌ها و ویژگی‌های شخصیتی انجام گیرد همسان همسری است. همسان همسری شاخص‌های متفاوتی می‌تواند داشته باشد از جمله همسانی سنی، همسانی تحصیلی، همسانی پایگاه شغلی، همسانی طبقاتی، همسانی سلیقه‌ها، همسانی در وضعیت مالی والدین، همسانی در مذهب، همسانی در شغل والدین، نزدیکی محل سکونت قبل از ازدواج و... هرچه این شاخص‌ها نزدیکی داشته باشد طبق این نظریه زندگی زوجین موفقیت آمیز خواهد بود در غیر این صورت احتمال گسستگی زندگی زوجین وجود خواهد داشت (اسکافی، ۱۳۸۰).

همان طور که در این قسمت بیان شد مطابق با نظریه همسان همسری، ناهمسانی میان دو همسر سرچشمه کشمکش‌های خانوادگی است. ناهمسانی بین دو همسر شاخص‌های مختلفی می‌تواند داشته باشد. در این مقاله به بررسی برخی شاخص‌ها از قبیل میزان تشابه و اختلاف سطح تحصیلی زوجین، میزان اختلاف و تشابه سطح منزلت شغلی زوجین، میزان تشابه سطح تحصیلی پدر زوجین، میزان تشابه منزلت شغلی پدر زوجین، تشابه قومیت زوجین، میزان نزدیکی بازار ازدواج زوجین و تشابه محل سکونت پدر زوجین اشاره شد؛ تا تأثیر این مهم در نمونه‌های مورد بررسی درک شود.

مطابق با نظریه کارکردی دورکیم، هنجارهای اخلاقی به عنوان تنظیم کننده رفتار عمل می‌کند. اگر این کنترل برداشته شود انسان دچار اختلال در رفتار می‌شود. عواملی که موجب آنومی در جامعه مدرن می‌شود شامل تغییر ناگهانی در استانداردهای زندگی، قرار گرفتن هنجارها در معرض شرایط دائماً در حال تغییر، ایجاد اقتصاد مبتنی بر روابط فردی کاملاً آزاد و تضعیف نیروهای اخلاقی. اگر خانواده به هنجارهای جامعه بی‌اعتنا شود، دچار انحراف شده که نتیجه آن طلاق و از هم گسیختگی خانواده است و در این رابطه متغیر اعتیاد شوهر را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۳-۳- مدل مفهومی و عملیاتی تحقیق



۳-۴- تعریف متغیرها

متغیر وابسته: تصمیم زنان به طلاق: منظور مراجعه زنان به دادگاه خانواده و ارائه دادخواست طلاق به دادگاه است. به عبارتی اقدام به طلاق از طریق مراجعه به دادگاه در نظر گرفته شده است.

متغیرهای مستقل: متغیرهای مستقل این تحقیق عبارتند از: سن زن، درآمد زن، میزان تحصیلات زن، وضعیت اشتغال زن، قومیت زن، تشابه قومیتی زوجین، ساخت بازاری ازدواج، خویشاوند همسری، تشابه سطح تحصیلی زوجین، تشابه سطح منزلت شغلی زوجین، اختلاف سنی زوجین، تشابه محل سکونت پدر زوجین، تشابه سطح تحصیلی پدر زوجین، تشابه سطح منزلت شغلی پدر زوجین و اعتیاد شوهر.

۳-۵- فرضیه‌های تحقیق

- بین سن زن و تصمیم وی به طلاق رابطه وجود دارد.
- بین درآمد زن و تصمیم زن به طلاق رابطه وجود دارد.
- بین میزان تحصیلات زن و تصمیم زن به طلاق رابطه وجود دارد.
- بین وضعیت اشتغال زن و تصمیم زن به طلاق رابطه وجود دارد.
- بین قومیت زن و تصمیم زن به طلاق رابطه وجود دارد.
- بین تشابه قومیتی زوجین و تصمیم زن به طلاق رابطه وجود دارد.
- بین ساخت بازاری ازدواج و تصمیم زن به طلاق رابطه وجود دارد.
- بین خویشاوند همسری و تصمیم زن به طلاق رابطه وجود دارد.
- بین تشابه سطح تحصیلی زوجین و تصمیم زن به طلاق رابطه وجود دارد.
- بین تشابه سطح منزلت شغلی زوجین و تصمیم زن به طلاق رابطه وجود دارد.
- بین اختلاف سنی زوجین و تصمیم زن به طلاق رابطه وجود دارد.
- بین تشابه محل سکونت پدر زوجین و تصمیم وی به طلاق رابطه وجود دارد.
- بین تشابه سطح تحصیلی پدر زوجین و تصمیم زن به طلاق رابطه وجود دارد.
- بین تشابه سطح منزلت شغلی پدر زوجین و تصمیم زن به طلاق رابطه وجود دارد.

- بین اعتیاد شوهر و تصمیم زن به طلاق رابطه وجود دارد.

۴- روش شناسی تحقیق

روش تحقیق در این مطالعه، کمی به صورت علی-مقایسه ای و تکنیک به کار گرفته شده پیمایش است. پیمایش با ابزارهای مختلفی مانند پرسشنامه، مصاحبه، مشاهده و... انجام می گیرد ولی با توجه به محدودیت زمانی و مکانی در این مطالعه از پرسشنامه استفاده شد. همچنین در این تحقیق جامعه آماری ما تمام زنان شهر شیراز بودند که برای بررسی بهتر دو گروه را به صورت مقایسه ای در نظر گرفتیم؛ گروه اول زنانی بودند که برای درخواست طلاق به دادگاه شیراز مراجعه کردند. که برای این منظور و همچنین رسیدن به یک نمونه آماری، مقطع زمانی ۳۱ روزه را در نظر گرفتیم و به سرشماری زنانی که برای طلاق به دادگاه مراجعه کرده بودند پرداخته شد (البته این پرسشگری از زنانی که عمل آمد که بعد از ازدواج و تشکیل زندگی زناشویی به طلاق اقدام کرده بودند و از زنانی که بعد از مرحله عقد ولی بدون تشکیل یک زندگی مشترک به امر طلاق اقدام کرده بودند به دلیل برخی سئوالات خاص در پرسشنامه، صرف نظر شد) و سعی بر آن شد که از تمام این افراد در دادگاه، داده ها و اطلاعات مربوطه از طریق پرسشنامه جمع آوری شود. تعداد کسانی که بدین طریق مورد پرسشگری قرار گرفتند ۲۴۰ نفر بودند. برای بدست آوردن نتایج بهتر به مقایسه بین این زنان که برای طلاق به دادگاه مراجعه کرده بودند با گروه دوم یعنی زنانی که به زندگی مشترک خود ادامه داده و اقدام به طلاق نکرده بودند، پرداخته شد. برای این مهم دقیقاً به همان تعداد زنان مراجعه کننده به دادگاه به منظور درخواست طلاق در طول زمان در نظر گرفته شده (۲۴۰ نفر)، زنانی که به زندگی مشترک خود ادامه داده بودند را به طور تصادفی انتخاب کردیم. بنابراین نمونه گیری در مورد گروه دوم به صورت تصادفی و منطقه ای مطرح شد.

در این پژوهش اعتبار ابزار سنجش به شیوه اعتبار صوری با مراجعه و تبادل نظر با افراد متخصص و صاحب نظر تضمین گردید.

۵- یافته‌ها

در قسمت آمار توصیفی ابتدا زنانی که مصمم به طلاق بودند را به عنوان گروه اول و زنانی که به زندگی مشترک ادامه می‌دادند را به عنوان گروه دوم در نظر گرفتیم.

سن: زنانی که در این پژوهش مورد پرسش قرار گرفتند با حداقل سن ۱۸ سال و حداکثر سن ۴۸ سال بودند. میانگین سن زنان مصمم به طلاق ۲۹/۰۹ و میانگین سن زنان مایل به ادامه زندگی مشترک ۳۸/۵۳ بوده است.

تحصیلات: تحصیلات زن در هر دو گروه با بیشترین فراوانی در مقطع تحصیلات دبیرستان و دیپلم مواجه بود و کمترین فراوانی در گروه اول در مقطع بی سواد و کم سواد و دانشگاهی و در گروه دوم تنها در مقطع بی سواد و کم سواد مطرح بوده است.

وضعیت شغلی: به لحاظ وضعیت شغلی در هر دو گروه غالباً با عدم شاغل بودن زن مواجه شدیم. در هر دو گروه نیز کسانی که شاغل بودند بیشترین فراوانی در طبقه شغلی کارمند و کارگر قرار داشته و کمترین فراوانی در طبقه شغلی کارفرما و مدیر بودند.

قومیت: به لحاظ قومیت زن، بیشترین فراوانی با ۷۹/۵ درصد در گروه اول و ۸۹/۵ درصد در گروه دوم، خود را متعلق به قومیت فارس می‌دانستند.

در زمینه میزان درآمد زن، در هر دو گروه اکثراً درآمد ۲۰۰-۰ هزار تومان را عنوان کردند.

اختلاف سنی زوجین: اختلاف سنی همسران در گروه اول با میانگین ۶/۰۳ و در گروه دوم با میانگین ۶ سال بوده است.

به لحاظ وضعیت تشابه و عدم تشابه قومیتی زوجین در گروه اول ۱۴ درصد از عدم تشابه و در گروه دوم تنها ۴/۶ درصد این عدم تشابه را عنوان کردند.

تشابه و یا اختلاف سطح تحصیلات زن و شوهر را با مبنا قرار دادن تحصیلات شوهر و با توجه به ۴ از سطح تحصیلی (۱- بی سواد و کم سواد، ۲- راهنمایی، ۳- دبیرستان و دیپلم و ۴- دانشگاهی) که مورد بررسی قرار گرفت، در هر دو گروه با بیشترین فراوانی عدم اختلاف سطح تحصیلی و کمترین فراوانی ۲ سطح و بیشتر از ۲ سطح این اختلاف مواجه شدیم.

با توجه به این که ۵ دسته از سطوح تحصیلی (۱- بی سواد، ۲- ابتدایی، ۳- راهنمایی، ۴- دبیرستان و دیپلم و ۵- دانشگاهی) در مورد پدر زوجین مد نظر قرار داده شد، اختلاف سطح تحصیلی پدر زوجین در هر دو گروه با کمترین فراوانی، اختلاف ۳ سطح و بیشتر از آن و کمترین فراوانی عدم اختلاف سطوح مطرح شد.

اختلاف سطح منزلت شغلی زوجین با توجه به این که ۳ سطح (۱- کارمند و کارگر، ۲- کارکن مستقل و ۳- کارفرما و مدیر) شغلی در نظر گرفته شد. در هر دو گروه با حداقل عدم اختلاف و حداکثر ۲ سطح و بیشتر از ۲ سطح اختلاف برخورد کردیم.

اختلاف سطح منزلت شغلی پدر زوجین در هر دو گروه با بیشترین فراوانی، اختلاف ۳ سطح و بیشتر از ۳ سطح و کمترین فراوانی عدم اختلاف مطرح شده است.

وضعیت تشابه محل سکونت پدر زوجین به لحاظ سکونت در شهر یا روستا، در گروه اول ۱۳/۷ درصد عدم تشابه و در گروه دوم ۸/۴ درصد این عدم تشابه به چشم می خورد.

ساخت بازاری ازدواج زوجین متغیر دیگری بود که به توصیف کشیده شد. در هر گروه بیشترین فراوانی هم شهری بودند لیکن کمترین فراوانی در گروه دوم از، دو استان متفاوت بودن و در گروه اول هم ولایتی بودن به چشم می خورد.

خویشاوند همسری: در گروه اول ۳۳/۵ درصد رابطه خویشاوندی با همسر خود قبل از ازدواج داشته و در گروه دوم این موارد ۴۱ درصد بوده است.

از نظر اعتیاد شوهر در گروه اول بیشترین فراوانی، ۴۶/۳ درصد به عبارتی نزدیک به نصف پاسخگویان از مصرف دائمی مواد توسط شوهرانشان سخن راندند و این در حالی است که در گروه دوم ۸۷/۲ درصد عنوان کردند که شوهرانشان هرگز از مواد مخدر استفاده نکرده اند.

در قسمت آمار استنباطی به آزمون فرضیه‌ها می پردازیم. در این قسمت از رگرسیون لجستیک و مربع کا استفاده شده است.

مربع کا: در علوم اجتماعی از آزمون معنی داری مربع کا استفاده بسیار می شود. این آزمون بر فرضیه صفر مبتنی است: فرضیه صفر^۲ عبارت است از فرضی که بر اساس آن بین دو

1- Chi - square

2- Null hypothesis

متغیر در کل جمعیت ارتباطی وجود ندارد. ما با استفاده از توزیع مقادیر مشاهده شده دو متغیر جداگانه، توزیع مشترکی را که در صورت نبود ارتباط بین دو متغیر انتظار آن را داریم، محاسبه می کنیم. نتیجه این محاسبه مجموعه ای از " فراوانی های مورد انتظار " است که برای هر یک از خانه های جدول توافقی بدست می آید؛ سپس این توزیع مورد انتظار را با توزیع فراوانی که از داده های نمونه بدست آمده است، مقایسه می کنیم (بی، ۱۳۸۱: ۸۷۶).

جدول ۱- نتایج تحلیل آزمون مربع کا متغیرهای مستقل و تصمیم زن به طلاق

| متغیر | sig | df | X ² | Lambda | Phi |
|-----------------------------|-------|----|----------------|--------|--------|
| تحصیلات زن | ۰/۴۶۳ | ۳ | ۲/۵۶۷ | - | - |
| وضعیت اشتغال زن | ۰/۰۰۶ | ۱ | ۷/۵۸۹ | ۰/۰۷۳ | -۰/۱۲۷ |
| قومیت زن | ۰/۰۲۱ | ۳ | ۹/۶۹۸ | ۰/۰۷۷ | - |
| تشابه قومیتی زوجین | ۰/۰۰۰ | ۱ | ۲۷/۴۹۸ | ۰/۱۳۴ | -۰/۲۴۱ |
| ساخت بازاری ازدواج زوجین | ۰/۰۰۰ | ۳ | ۲۲/۲۳۱ | ۰/۱۰۱ | - |
| تشابه محل سکونت پدران زوجین | ۰/۰۰۵ | ۱ | ۷/۹۰۹ | ۰/۰۷۳ | - |
| خویشاوند همسری | ۰/۱۴۲ | ۲ | ۳/۸۹۸ | - | - |
| اعتیاد شوهر | ۰/۰۰۰ | ۳ | ۱۳۱/۶۱۲ | ۰/۲۹۳ | - |

فرضیه اول رابطه بین وضعیت اشتغال زن و تصمیم زن به طلاق را می سنجد. با توجه به جدول ۱ تفاوت مشاهده شده از لحاظ آماری معنی دار است. بنابراین فرضیه H1 تأیید می شود. با توجه به ضریب لامبدا با فرض داشتن این متغیر مستقل، ۰/۰۷ درصد در بیان یا پیش بینی متغیر وابسته موفق تر هستیم. ضریب فی نشان می دهد که ۱ درصد از تفاوت بین دو گروه زنانی که مورد بررسی قرار گرفته است را می توان به این متغیر نسبت داد. اشتغال زن، استقلال اقتصادی او را تا حدی تأمین می کند. این خود جدایی را برای زنانی که ادامه زندگی برایشان ممکن نیست راحت تر می کند.

فرضیه دوم رابطه بین قومیت زن و تصمیم زن به طلاق را می سنجد. با توجه به جدول ۱ تفاوت مشاهده شده از لحاظ آماری معنی دار است. بنابراین فرضیه H1 تأیید می شود. همچنین

ضریب لامبدا نشان می‌دهد که با فرض داشتن این متغیر مستقل، در پیش‌بینی، ۰/۰۷ درصد کاهش نسبی خطا را داریم.

فرضیه سوم رابطه بین تشابه قومیتی زوجین و تصمیم زن به طلاق را می‌سنجد. با توجه به جدول ۱ تفاوت مشاهده شده از لحاظ آماری معنی‌دار است. بنابراین فرضیه H1 تأیید می‌شود. همچنین ضریب لامبدا نشان می‌دهد که با فرض داشتن این متغیر مستقل، ۱۳ درصد در بیان یا پیش‌بینی متغیر وابسته موفق‌تر هستیم. ضریب فی نشان می‌دهد که ۵ درصد از تفاوت بین دو گروه زنانی که مورد بررسی قرار گرفته است را می‌توان به این متغیر نسبت داد. هر قدر پیوندهای قومی و فرهنگی بین زن و شوهر محکم‌تر باشد احتمال جدایی آنان به مراتب کمتر است.

فرضیه چهارم رابطه بین ساخت بازاری ازدواج زوجین^۱ و تصمیم زن به طلاق را می‌سنجد. اساساً جریان همسرگزینی به یک نظام بازار شباهت دارد (گود، ۹۷). این متغیر میزان نزدیکی زوجین به لحاظ محل سکونت هنگام ازدواج را می‌سنجد. برای این منظور از عنوان‌های هم ولایتی بودن (یعنی زوجین از یک روستا باشند)، هم شهری بودن، هم استانی بودن و از دو استان، استفاده شده است. با توجه به جدول ۱ تفاوت مشاهده شده از لحاظ آماری معنی‌دار است. بنابراین فرضیه H1 تأیید می‌شود. همچنین ضریب لامبدا نشان می‌دهد که با فرض داشتن این متغیر مستقل، در پیش‌بینی، ۱۰ درصد کاهش نسبی خطا را داریم. نزدیکی بازار ازدواج زوجین به معنی نزدیکی فرهنگ آنان است که این خود تفاهم در امور مختلف زندگی را برای زوجین به ارمغان می‌آورد. هر چه از این معیار فاصله ایجاد شود اختلاف نظرها را به دنبال می‌آورد.

فرضیه پنجم رابطه بین تشابه محل سکونت پدر زوجین و تصمیم زن به طلاق را می‌سنجد. با توجه به جدول ۱ تفاوت مشاهده شده از لحاظ آماری معنی‌دار است. بنابراین فرضیه H1 تأیید می‌شود. همچنین ضریب لامبدا بیان می‌کند که با فرض داشتن این متغیر مستقل، ۰/۰۷ درصد در بیان یا پیش‌بینی متغیر وابسته موفق‌تر هستیم.

فرضیه ششم رابطه بین اعتیاد شوهر و تصمیم زن به طلاق را می‌سنجد. با توجه به جدول ۱ تفاوت مشاهده شده از لحاظ آماری معنی‌دار است. بنابراین فرضیه H1 تأیید می‌شود. ضریب لامبدا بیان می‌کند که با فرض داشتن این متغیر مستقل، در پیش‌بینی، ۲۹ درصد کاهش نسبی خطا را داریم. اعتیاد شوهر موجب عدم احساس مسئولیت او نسبت به خانواده، بی‌تفاوتی نسبت به خواسته‌های همسر، عدم توانایی در برآوردن نیازهای خانواده و تضعیف پایبندی به خانواده را به دنبال می‌آورد.

فرضیه‌های مربوط به رابطه بین متغیرهای مستقل میزان تحصیلات زن و خویشاوند همسری با متغیر وابسته مورد تأیید قرار نگرفت.

رگرسیون لجستیک^۱: شرط استفاده از رگرسیون چندگانه، کمی بودن متغیر وابسته است. در صورتی که متغیر وابسته از نوع اسمی دو وجهی (مانند بلی یا خیر، عضو بودن یا عضو نبودن و غیره) باشد، در این صورت بجای رگرسیون چندگانه باید از رگرسیون لجستیک استفاده کرد. در این روش بر اساس متغیرهای مستقل مورد استفاده می‌توان احتمال هر یک از سطوح متغیر دو وجهی وابسته را محاسبه کرد (کلانتری، ۱۳۸۷: ۱۹۱).

جدول ۲- نتایج تحلیل رگرسیونی لجستیک تک متغیره و تصمیم زن به طلاق

| متغیر | ضریب β | Wald | d.f | sig | نسبت بخت‌ها Exp(B) |
|------------------------------|--------------|--------|-----|-------|-----------------------|
| سن | ۰/۱۱۵ | ۷۱/۰۰۹ | ۱ | ۰/۰۰۰ | ۱/۱۲۲ |
| اختلاف سنی زوجین | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۱ | ۱ | ۰/۹۷۰ | ۰/۹۹۹ |
| اختلاف سطح تحصیلی همسران | -۰/۲۳۲ | ۳/۴۷۶ | ۱ | ۰/۰۶۲ | ۰/۷۹۳ |
| اختلاف سطح منزلت شغلی همسران | -۰/۲۲۳ | ۳/۱۶۶ | ۱ | ۰/۰۷۵ | ۰/۸۰۰ |
| اختلاف سطح منزلت شغلی پدران | -۰/۲۲۳ | ۳/۱۶۶ | ۱ | ۰/۰۷۵ | ۰/۸۰۰ |
| اختلاف سطح تحصیلی پدران | ۰/۰۱۲ | ۰/۰۱۸ | ۱ | ۰/۸۹۴ | ۱/۰۱۲ |
| درآمد زن | -۰/۰۱۲ | ۰/۰۰۵ | ۱ | ۰/۹۴۴ | ۰/۹۸۸ |

فرضیه هفتم رابطه بین سن زن و تصمیم وی به طلاق را می‌سنجد. جدول ۲ نشان می‌دهد که رابطه بین دو متغیر سن زنان و تصمیم آنها به طلاق از نظر آماری با احتمال ۹۵ درصد معنادار می‌باشد. این رابطه مثبت است. از آنجایی که تصمیم به طلاق را با کد صفر و تمایل به ادامه زندگی مشترک را با کد ۱ مشخص کردیم پس می‌توان نتیجه گرفت که هر چه سن زنان بالاتر رفته است احتمال تمایل به ادامه زندگی در آنها بیشتر می‌شود. به عبارت دیگر به ازاء هر واحد افزایش در سن زنان احتمال تمایل به ادامه زندگی مشترک ۱۲ درصد بیشتر می‌شود. این در جامعه مثل ما که به وجود فرزند در ازدواج اهمیت می‌دهد و فرزند آوری تا اندازه ای به بقای خانواده کمک می‌کند که این رویداد در سالهای بعد از ازدواج محقق می‌شود.

در این قسمت فرضیه‌هایی که مورد تأیید قرار نگرفتند رابطه بین متغیرهای مستقل (اختلاف سنی همسران، اختلاف سطح تحصیلی همسران، اختلاف سطح منزلت شغلی همسران، اختلاف سطح تحصیلی پدر زوجین، اختلاف سطح منزلت شغلی پدر زوجین و میزان درآمد زن) با متغیر وابسته بوده است.

۶- بحث و نتیجه گیری

این پروژه با موضوع طلاق به پیش رفت. طلاق را به عنوان انحلال عقد نکاح دائم یکی از پدیده‌های چند بعدی بر شمردیم که از جهات مختلف بر روی زندگی انسان اثر گذار می‌تواند باشد از جمله اثرات آن را بر روی فرزندان بر شمردیم و با توجه به بحران مشاهده شده در روند طلاق در ایران بر اهمیت بررسی این موضوع تأکید کردیم. با نظر به این که آنچه پیشینان انجام داده اند می‌تواند تجربتی بر مسیر فکر و عمل آیندگان واقع شود بنابراین از تحقیقات داخلی و خارجی که در رابطه با موضوع طلاق انجام شده بود سود جستیم. به مبانی نظری پژوهش نیز پرداخته و نظریه‌هایی که موضوع این پروژه را کندوکاو بنیادین نظری می‌کرد بیان کرده و از بین آنها نهایتاً نظریاتی (نظریه همسان همسری و نظریه کارکردگرایی) را به عنوان چارچوب نظری تحقیق برگزیدیم.

در رابطه با متغیرهای زمینه‌ای و جمعیتی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت سن زن، قومیت زن و وضعیت شغلی زن در رابطه با متغیر وابسته مورد تأیید قرار گرفتند. هرچه بر

سن زن و طول مدت ازدواج وی افزوده شود بر پختگی در تجربیات، صبر و استقامت در برابر مشکلات، مسئولیت نسبت به کانون خانواده و وابستگی نسبت به خانواده نیز افزوده می‌شود و تداوم روابط را بیشتر تضمین خواهد کرد. داشتن فرزند نیز بر این تداوم خواهد افزود چرا که مسئولیت فرد نسبت به اعضای بیشتری ایجاد می‌شود و خصوصاً زنان در جامعه ایران که مسئولیت نگهداری از فرزندان بیشتر بر عهده دارند تا جایی که ممکن است حتی اگر زندگی همراه با ناکامی‌ها و تعارضاتی در روابط زوجین باشد، سعی می‌کنند زندگی مشترک خود را به خاطر فرزندان حفظ کنند تا آنان آسیب نبینند. در مورد ازدواج در سن پایین هم باید گفت که این ازدواج‌ها معمولاً با آگاهی کمتری انجام می‌شود و خانواده‌ها در این انتخاب نقش مهمتری ایفا می‌کنند چه بسا نظر خود را اعمال کرده و به نظر فرزندان به دلیل پایین بودن سن اعتنا نکنند. این انتخاب‌های اجباری، گاهی از روی غرایز زودگذر و بدون شناخت و آگاهی می‌تواند مشکلاتی را برای زندگی زوجین در آینده ایجاد کند. مشیری، سعیدی، کیانی و ملک ابراهیم (۱۳۷۹)، ریاحی و عجم (۱۳۸۱) و شیرزاد و کاظمی فر (۱۳۸۳) به تأثیر سن بر روی طلاق اشاره کردند. جلیلیان (۱۳۷۵) به تأثیر قومیت بر روی طلاق اشاره کرد.

طبق نظریه همسان‌همسری افراد به دنبال ازدواج با همسان خود هستند. تطابقاً ما متغیرهایی را در این رابطه وارد پژوهش کردیم که نهایتاً تشابه قومیتی زوجین، ساخت بازاری ازدواج زوجین و تشابه محل سکونت پدران مورد تأیید قرار گرفت. همچنین خویشاوند همسری را اگر به عنوان یک شاخه‌ای از همسان‌همسری در نظر بگیریم نیز به تأیید آن پی بردیم. چرا که معمولاً خانواده‌های عضو یک خویشاوند همگونی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... دارند. این تشابهات به تداوم زندگی کمک می‌کند. در حالی که اگر زوجین از دو فرهنگ متفاوت وارد زندگی جدید شوند برای تطابق خود با این عرصه جدید از زندگی و هماهنگ شدن رفتارها نیاز به زمان دارند. در ابتدای امر خصوصاً تنش‌ها و ناراحتی‌هایی را به دنبال می‌آورد. گاهی حتی تداوم این ناهمگونی منجر به گسست روابط می‌شود. فرضیه هشتم رابطه بین تشابه قومیتی زوجین و تصمیم زن به طلاق را عنوان می‌کند. این فرضیه نیز مورد تأیید واقع شده است. ۵۵ درصد از تفاوت بین دو گروه مورد بحث به این متغیر می‌توان نسبت داد. تحقیقی که جلیلیان (۱۳۷۵) در شهر تهران انجام می‌دهد یکی از علت‌های طلاق را عدم تشابه قومیت میان

خانواده‌های زوجین می‌داند. فیلیپس و سوینی (۲۰۰۶) تنوع قومی و نژادی را در از هم پاشیدگی زناشویی مطرح می‌کنند. ملتفت (۱۳۸۱) در بررسی خود تفاوت معنی داری بین میانگین گرایش به طلاق زنان بر حسب رابطه خویشاوندی با همسر مشاهده کرد.

مطابق با نظریه کارکردی دورکیم، هنجارهای اخلاقی به عنوان تنظیم‌کننده رفتار عمل می‌کند. اگر خانواده به هنجارهای جامعه بی‌اعتنا شود دچار انحراف شده که نتیجه آن طلاق و از هم گسیختگی خانواده است و در این رابطه متغیر اعتیاد شوهر را مورد بررسی قرار داده که به رابطه معنی داری با متغیر وابسته دست یافتیم. فردی که انتظار داشته است همسرش شریک زندگی او باشد و در تربیت فرزندان و اداره کانون خانواده او را صمیمانه یاری کند و نیازهای خانواده را با تلاش و کوشش خود برآورده سازد می‌بیند که او با گرفتار شدن در دام اعتیاد آتش بر هستی زن و فرزندانش می‌زند و با بی‌اعتنایی و لاپرواہی گری، شیرازه زندگی خانوادگی را از هم می‌پاشد و موجب سرافکندگی و تباهی اعضای خانواده می‌شود. قطبی، جزایری، هلاکویی نایینی و رحیمی (۱۳۸۲)، ۴۲ درصد از علت‌های طلاق در منطقه دولت آباد را اعتیاد ذکر کردند. زرگر و نشاط دوست (۱۳۸۶) در بررسی خود در شهرستان فلاورجان یکی از علت‌های مهم تقاضاهای طلاق را اعتیاد مطرح کردند. شیرزاد و کاظمی فر (۱۳۸۳) علت ۵۰ درصد پرونده‌های طلاق در همدان را اعتیاد عنوان کردند. مددی (۱۳۸۰) در تحقیق خود در شهرستان اراک به اعتیاد به عنوان یکی از مهمترین دلایل تقاضای طلاق اشاره می‌کند.

در این تحقیق به متغیرهای زیادی توجه شد. با توجه به محدودیت‌هایی که در روش پیمایش و پژوهش مقطعی وجود داشت سعی بر آن شد که مبحث همسان همسری در ابعاد مختلفی مورد بررسی قرار گیرد. با توجه به تحقیقات بسیار کمی که در زمینه همسان همسری انجام شده است، این تحقیق توانست تشابه در چند معیار را به نمایش بگذارد.

منابع

- ۱- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۳). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، تهران: انتشارات سروش.
- ۲- اسکافی، مریم (۱۳۸۰). *بررسی عوامل موثر بر نگرش افراد متأهل نسبت به همسان همسری* مورد مطالعه شهر شیراز، رساله کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز.

- ۳- اشلی، دیوید؛ دیوید مایکل اورنشتین (۱۳۸۳). نظریه جامعه شناسی (اصول و مبانی کلاسیک)، ترجمه علی اکبر میر مهدی حسینی. کرمان: انتشارات دانشگاه شهید باهنر.
- ۴- بیبی، ارل (۱۳۸۱). روش تحقیق در علوم اجتماعی (۲)، ترجمه رضا فاضل. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- ۵- بنیادی راد، مژگان (۱۳۷۹). "علل روان شناختی طلاق - آثار بیکاری و فقر اقتصادی بر افزایش طلاق". مجموعه مقالات نخستین همایش سراسری علل و پیامدهای طلاق، اصفهان ۳-۴ اسفند.
- ۶- تافلر، الوین (۱۳۷۰). موج سوم، ترجمه شهیندخت خوارزمی. تهران: چاپخانه آسمان.
- ۷- ترنر، جانانان اچ (۱۳۸۲). ساخت نظریه جامعه شناسی، ترجمه عبدالعلی لهسایی زاده. شیراز: نوید.
- ۸- جلیلیان، زهرا (۱۳۷۵). عوامل اجتماعی موثر بر درخواست طلاق در شهر تهران. رساله کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی.
- ۹- خدیوی، رضا. مسعود نیک فرجام. محمد وفایی (۱۳۸۰). بررسی میزان فراوانی علل کلی و اختلالات روانی زوجین درخواست کننده طلاق در شهرستان شهرکرد. رساله دکتری حرفه ای، دانشکده پزشکی شهرکرد.
- ۱۰- دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی (۱۳۸۸). فصلنامه جمعیت سازمان ثبت احوال کشور. سال شانزدهم، شماره ۶۹ و ۷۰. پاییز و زمستان ۱۳۸۸.
- ۱۱- ریاحی، طیبه. محمود عجم (۱۳۸۱). "بررسی علل طلاق در شهر گناباد". مجله افق دانش. ۸ (۲): ۹۶-۱۰۰.
- ۱۲- ریاحی، محمد اسماعیل. اکبر علیوردنیا. سیاوش بهرامی کاکاوند (۱۳۸۶). "تحلیل جامعه شناختی میزان گرایش زوجین به طلاق". پژوهش زنان. دوره ۵: شماره ۳.
- ۱۳- ریتزر، جورج (۱۳۸۴). نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علمی.
- ۱۴- زرگر، فاطمه. حمید طاهر نشاط دوست (۱۳۸۶). "بررسی عوامل موثر در بروز طلاق در شهرستان فلاورجان". فصلنامه خانواده پژوهی، صص ۷۴۹-۷۳۷.

- ۱۵- زیبایی نژاد، محمد رضا، محمد تقی سبحانی (۱۳۸۵). درآمدمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام. قم: نشرهاجر.
- ۱۶- ساروخانی، باقر (۱۳۷۲). طلاق، پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۷- ساروخانی، باقر (۱۳۸۰). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۱۸- شیرزاد، جلال. امیر محمد کاظمی فر (۱۳۸۳). "مطالعه همگیر شناسی زوجین در حال طلاق ارجاعی به اداره کل پزشکی قانونی استان همدان". مجله علمی پزشکی قانونی. سال ۱۰، شماره ۳.
- ۱۹- عسکری، حسین (۱۳۸۵). نقش بهداشت روان در ازدواج، زندگی زناشویی و طلاق. تهران: گفتگو.
- ۲۰- عزیزی، ابوطالب. (۱۳۷۷). بررسی رابطه پایگاه اقتصادی-اجتماعی دختران تحصیلکرده شاغل در سن تأخیری ازدواج بر نگرش آنها در مورد همسان همسری مورد مطالعه شهر شیراز. رساله کارشناسی ارشد. دانشگاه شیراز.
- ۲۱- فاتحی زاده، مریم. فاطمه بهجتی اردکانی. احمد رضا نصر اصفهانی (۱۳۸۴). "بررسی تأثیر عوامل خانوادگی در پایین بودن آمار طلاق در شهر یزد، اردکان و میبد". مطالعات تربیتی و روان شناسی. ۱۱۷-۱۳۶: (۱)۶.
- ۲۲- قطبی، مرجان. کوروش هلاکویی نایینی. ابوالقاسم جزایری. عباس رحیمی (۱۳۸۲). "وضعیت طلاق و برخی عوامل موثر بر آن در افراد مطلقه ساکن در منطقه دولت آباد". فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال سوم، شماره ۱۲، صص ۲۸۸-۲۷۳.
- ۲۳- کلانتری، خلیل (۱۳۸۷). پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی-اقتصادی با استفاده از نرم افزار SPSS. تهران: فرهنگ صبا.
- ۲۴- کنعانی، مسعود (۱۳۷۹). "بررسی علل طلاق زنان در شهرستان قوچان و راه‌های پیشگیری آن". مجموعه مقالات نخستین همایش سراسری علل و پیامدهای طلاق. اصفهان، ۳-۴ اسفند.

- ۲۵- کوزر ، لوئیس ای. برنارد روزنبرگ (۱۳۷۸). *نظریه های بنیادی جامعه شناسی*، ترجمه فرهنگ ارشاد. تهران : نشر نی.
- ۲۶- گود، ویلیام جی (بی تا). *خانواده و جامعه*، ترجمه ویدا ناصحی. انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۲۷- محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۴). *بررسی فقهی حقوق خانواده نکاح و انحلال آن*. تهران : مرکز نشر علوم اسلامی.
- ۲۸- مددی ، حسین (۱۳۸۰). *بررسی علل تقاضای طلاق زوجین (دیدگاه اقتصادی - اجتماعی)* در شهرستان اراک. رساله کارشناسی ارشد. دانشکده علوم بهزیستی و توان بخشی. رشته مدیریت رفاه اجتماعی.
- ۲۹- مشیری ، زهرا. زهره سعیدی. مرغوب کیانی. نورمیل ملک ابراهیم (۱۳۷۹). "بررسی فراوانی و علل طلاق در شهرهای جنوب استان مازندران". *مجموعه مقالات نخستین همایش سراسری علل و پیامدهای طلاق*، اصفهان. ۳-۴ اسفند.
- ۳۰- ملتفت ، حسین (۱۳۸۱). *بررسی عوامل موثر برگرایش زوجین به طلاق در شهرستان داراب*. رساله کارشناسی ارشد رشته جمعیت شناسی. دانشگاه شیراز، دانشکده علوم اجتماعی.
- ۳۱- والچاک ، ابوت؛ شیلابرنز. (۱۳۶۶). *طلاق از دید فرزندان*، ترجمه فرزانه طاهری. تهران: چاپ پنگوئن.
- 32- Aghajanian, Akbar. Ali Asghar Moghadas (1998). "Correlates and cosequences of divorce in an Iranian city", *Journal of Divorce & Remarriage*, Vol.28, 53-71
- 33- Bulanda ,Jennifer Roebuck. Susan L Brown (2006). "Race-ethnic differences in marital quality and divorc". *Social Science Research* 36 ,945-967
- 34- Cunningham, Mick. Arland , Thornton (2005). " The influences of parents and offsprings experiences with cohabitation , marriage , and divorce on attitudes toward divorce in young adulthood". *Journal of Divorce & Remarriage*, Vol.44. p119.
- 35- Krishnan, vijaya (1998). "Premarital cohabitation and marital disruption". *Journal of Divorce & Remarriage*, Vol.28, 157-169
- 36- Lowenstein , Ludwing F (2005). " Causes and associated features of divorce as seen by recent research ". *Journal of Divorce & Remarriage*, Vol.42. p153.

- 37- Phillips, Julie A . Megan M Sweeney. (2006)."Can differential exposure to risk factors explain recent racial and ethnic variation in marital disruption?". *Social Science Research* 35,409-434
- 38- Tjottal, Sigve. Kjel Vaage (2008)."Public transfers and marital dissolution". *Journal of Population Economics*. Vol 21, pp419-437
- 39- Young , Laura. Marion F Ehrenberg(2007)." Siblings , parenting , conflict , and divorce : Do young adults perceptions of past family experiences predict their present adjustment?". *Journal of Divorce &Remarriage*. Vol 47, p67.

